

راهکارهای مدیریتی در مقابله با تعارضات نسلی بر خانواده و ایجاد سلامت روان در فرزندان

سمیه جزینی

ناهید قاسم‌پور

زهرا شفیعی

چکیده

مقاله حاضر به بررسی راهکارهای مدیریتی مقابله با تعارضات نسلی در خانواده می‌پردازد. این تعارضات ناشی از تحولات سریع فرهنگی و ارتباطی در جامعه است و باعث ایجاد شکاف میان والدین و فرزندان و کاهش سلامت روانی نوجوانان می‌شود. هدف اصلی پژوهش، ارائه الگویی بومی و متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی برای مدیریت تعارضات نسلی است که براساس بررسی نظام‌مند متون دینی و پژوهش‌های علمی تدوین شده است. روش پژوهش، مرور و تحلیل منابع اسلامی و تحقیقات مرتبط است. یافته‌ها حاکی از آن است که پذیرش تفاوت‌های نسل‌ها، افزایش آگاهی والدین از ویژگی‌های روانی نسل جدید، استفاده از سبک فرزندپروری متعادل، تأکید بر ارتباط گفتگو محور، آموزش ارزش‌ها به شیوه اقناعی و مشارکت فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند از بروز تعارضات بکاهد و سلامت روان فرزندان را بهبود بخشد. این راهکارها علاوه بر حفظ انسجام خانواده، موجبات رشد معنوی و روانی را فراهم می‌کنند و پاسخ مناسبی به چالش‌های نسلی در خانواده‌های ایرانی-اسلامی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: تعارضات نسلی، سلامت روان، فرزندان، خانواده، راهکارهای مدیریتی

تحولات پرشتاب فرهنگی و ارتباطی در عصر حاضر، ساختارهای ارزشی و هویتی نسل‌ها را به صورت چشمگیری دگرگون ساخته است. این تغییرات، موجب تعمیق شکاف میان نسل‌ها شده و در بسیاری از خانواده‌ها به بروز تعارضات رفتاری و نگرشی منجر شده است. شکاف نسلی (Generation Gap) دیگر صرفاً مفهومی نظری نیست، بلکه پدیده‌ای عینی و ملموس است که در روابط میان والدین و فرزندان، به‌ویژه در عرصه‌هایی چون سبک زندگی، باورهای اخلاقی و الگوهای ارتباطی نمود می‌یابد. این تعارض‌ها، اگر مدیریت نشوند، می‌توانند به تضعیف انسجام خانوادگی و کاهش احساس امنیت روانی اعضا منجر شود.

از منظر روان‌شناسی خانواده، تعارضات نسلی نوعی بحران در نظام ارتباطی خانواده محسوب می‌شوند که با افزایش استرس، اضطراب و سردرگمی هویتی در فرزندان همراه است. یافته‌های پژوهشی اخیر نشان می‌دهد که افزایش فاصله ارزشی و نگرشی میان والدین و فرزندان، رابطه‌ای مستقیم با بروز مشکلات هیجانی، کاهش تاب‌آوری و افت سلامت روان نسل جوان دارد. در مقابل، وجود روابط مبتنی بر احترام متقابل، گفت‌وگو و حمایت عاطفی، می‌تواند نقش حفاظتی در برابر این آسیب‌ها ایفا کند.

سلامت روان فرزندان در این میان جایگاهی کلیدی دارد؛ زیرا نشانگر میزان سازگاری هیجانی، شناختی و اجتماعی آنان با محیط خانواده و جامعه است. نوجوانی که در فضایی پرتنش و بدون درک متقابل رشد می‌کند، نه تنها در شکل‌گیری هویت فردی خود دچار چالش می‌شود، بلکه در روابط اجتماعی و آینده خانوادگی نیز دچار اختلال خواهد شد.

از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، خانواده بنیادی‌ترین نهاد تربیتی و اخلاقی جامعه است و حفظ آرامش و انسجام آن بر مبنای اصولی چون مدارا، گفت‌وگوی سازنده، کرامت انسانی و انعطاف‌پذیری متقابل استوار است. در متون دینی، از جمله قرآن کریم و سنت معصومان(ع)، بر ضرورت تعامل عاطفی، احترام به تفاوت‌ها و اصلاح رابطه بر پایه محبت تأکید شده است. این آموزه‌ها نه تنها ناظر به پیشگیری از تعارضات خانوادگی‌اند، بلکه در سطحی عمیق‌تر، بر تعالی روحی و استحکام پیوندهای عاطفی در خانواده تأکید دارند.

با توجه به شکاف موجود میان الگوهای مدیریتی برگرفته از نظریه‌های غربی و نیازهای فرهنگی خانواده ایرانی-اسلامی، بازخوانی و استخراج راهکارهای مدیریتی مبتنی بر منابع اصیل دینی ضرورتی انکارناپذیر است. مقاله حاضر درصدد است با مرور و تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های موجود و متون اسلامی، الگوی بومی

مدیریت تعارضات نسلی را تبیین کند؛ الگویی که ضمن ارتقای سلامت روان فرزندان، بتواند زمینه‌ساز بازتولید آرامش، تفاهم و رشد معنوی در نهاد خانواده باشد.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی به بررسی موضوع شکاف نسلی و تأثیرات آن در جوامع مختلف، به ویژه در ایران، پرداخته‌اند. در کتاب «نگاهی آینده‌پژوهانه به شکاف نسل‌ها» اثر فردین شوریج و سروش سردشتی (۱۴۰۲)، تفاوت‌ها و تغییرات نسلی به عنوان پدیده‌ای مهم مطرح شده است که در صورت عدم مدیریت صحیح می‌تواند منجر به انقطاع میان‌نسلی شود. این کتاب نقش عوامل متعددی از جمله پیشرفت‌های علمی، هوش و شرایط زیستی هر نسل را در شکل‌دهی به تفاوت‌ها و تحولات نسلی در جهان و ایران و همچنین آینده نسل‌های بعدی بررسی می‌کند. در حوزه رسانه‌های نوین و ارتباط نسلی، آزادی‌نژاد (۱۳۹۸) در کتاب خود با عنوان «رسانه‌های نوین و شکاف نسلی» توسعه اینترنت و جامعه اطلاعاتی را تحلیل کرده و مبانی جامعه‌شناختی ارتباطات بین نسلی، نظریه‌های ارتباطات رسانه و جامعه‌شناسی را مورد مطالعه قرار داده است. وی با ارائه روش‌شناسی پژوهشی، تأثیر اینترنت بر ایجاد شکاف نسلی میان والدین و فرزندان را به‌طور ویژه بررسی کرده است. از سوی دیگر، پژوهش پروانه دانش و همکاران (۱۳۹۳) تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران» نشان داده است که گرایش نوجوانان و جوانان به ارزش‌های مدرن و احساس بحران هویت ناشی از جداافتادگی آن‌ها از نسل‌های پیشین، رو به افزایش است. این مطالعه بر ضرورت مدیریت صحیح فرآیندهای فرهنگ‌پذیری و بازتولید فرهنگی جوانان توسط دولت و رسانه‌ها تأکید دارد تا از تعارضات و گسست نسلی جلوگیری شود و مسیر توسعه جامعه حفظ گردد. در بعد دینی و مدیریتی، مقاله «شکاف بین نسلی و اصول حاکم بر مدیریت خانواده از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه» توسط قهرمان مددلو و همکاران (۱۳۹۶) جایگاه خانواده را در نهج‌البلاغه بررسی و به نقش مدیریت صحیح خانواده در کاهش و تعدیل شکاف نسلی اشاره کرده است. این مقاله نقش فرامین و سفارشات نهج‌البلاغه را به عنوان راهکارهایی مؤثر در مدیریت خانواده و کاهش تنش‌های بین نسلی مطرح می‌سازد. مطالعه علیرضا لطفی (۱۳۹۹) تحت عنوان «نسلی میان جوانان و والدین و راهکارهای رفع آن» تفاوت معنی‌دار میان دو نسل در ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نگرش‌های رفتاری را نشان داده است، هرچند در ارزش‌های سیاسی و فعالیت مذهبی تفاوت چشمگیری مشاهده نمی‌شود. وی رفع شکاف نسلی را از طریق ارتباط نزدیک و صمیمانه گروه‌های مرجع و متولیان فرهنگی با جوانان، درک نیازهای آنان و حمایت‌های

مادی و معنوی ممکن دانسته است. در نهایت، جمال آشوری (۱۳۹۳) در مقاله «سبک زندگی اسلامی، راهکار برخورد با گسست نسلی خانواده‌ها» با روش توصیفی به تحلیل عوامل مؤثر بر گسست نسلی پرداخته و سبک زندگی اسلامی مبتنی بر اعتدال را به عنوان عاملی مؤثر در ایجاد پیوند عاطفی خانواده و پیشگیری از گسست نسلی معرفی کرده است. این پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که شکاف نسلی پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که عوامل فرهنگی، ارتباطی، اجتماعی، دینی و فناورانه در شکل‌گیری و مدیریت آن نقش اساسی دارند و بهره‌گیری از رویکردهای چندجانبه در جهت کاهش این گسست اهمیت فراوانی دارد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. نسل

در حوزه جمعیت‌شناسی، نسل به گروهی اطلاق می‌شود که مرحله‌ای خاص از زندگی را همزمان آغاز یا به پایان رسانده‌اند؛ مانند گروهی که در یک دوره فارغ‌التحصیل شده‌اند، یا افرادی که در بازه زمانی نزدیک به هم متولد شده یا ازدواج کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۸۸). در تعریفی دیگر، «نسل» به گروهی از افراد گفته می‌شود که در یک بازه زمانی مشخص متولد شده‌اند و موقعیت‌های تاریخی و علایق خاص، آنان را در سطح فردی و نظام اجتماعی از دیگران متمایز می‌کند (رحیمی، ۱۳۹۰ به نقل از بیکر، ۱۳۷۷: ۱۸). از آنجا که تولد کودکان در جامعه پیوسته و بدون وقفه رخ می‌دهد، نمی‌توان مرز مشخصی برای تفکیک یک نسل از نسل دیگر تعیین کرد.

بنابراین، تمایز میان «معاصران» (کسانی که در یک دوره زندگی می‌کنند) و «همسالان» (افرادی که در یک سن قرار دارند) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در جامعه‌شناسی، کمتر به شجره‌نامه توجه می‌شود و بیشتر بر آگاهی گروهی تأکید می‌گردد که در زمان واحدی متولد شده‌اند و دارای تجارب، منافع و نگرش‌های مشترک هستند. گاه ادعا شده است که «نسل» در تبیین تفاوت‌های فردی و گروهی در حوزه فرهنگ، منافع و رفتارها، به اندازه «طبقه اجتماعی» اهمیت دارد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۹).

۱-۲. تفاوت نسلی

اصطلاح «تفاوت نسلی» به اختلافات طبیعی در باورها، ارزش‌ها و هنجارهای میان نسل‌ها اشاره دارد. این مفهوم عمدتاً بر جنبه‌های روان‌شناختی هر نسل تأکید دارد که همواره وجود داشته و به شکل عدم انطباق

کامل در ابعاد رفتاری، روانی و اجتماعی کنش‌های نسل جدید در مقایسه با نسل پیشین مشاهده می‌شود. به باور ساروخانی، تفاوت نسلی در مقابل انطباق نسلی که امری محال است ضرورتی مطلوب و اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود که زمینه تحول زندگی انسانی را در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد (ساروخانی و صداقتی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۳). در مقابل، تاجیک نگاهی آسیب‌شناسانه به تفاوت نسلی دارد و آن را مفهومی علمی می‌داند که بر عدم انطباق فرهنگی بین دو نسل متوالی و نیز میزان گسستگی و تداوم فرهنگ از نسلی به نسل دیگر دلالت دارد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۹).

۳-۱. شکاف نسلی

در فرهنگ آکسفورد، شکاف نسلی به عنوان اختلاف در نگرش یا رفتار میان جوانان و افراد سالمند تعریف شده که به عدم درک متقابل منجر می‌شود. همچنین، فرهنگ وستر آن را به عنوان تفاوت گسترده در ویژگی‌ها و نگرش‌های بین نسل‌ها معرفی کرده است (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۶). آزاد ارمکی نیز شکاف نسلی را وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری بین نسل‌های حاضر در خانواده (مانند والدین و فرزندان) در نظر می‌گیرد، حتی با وجود پیوندهای کلان ناشی از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۵۷۳). شکاف نسلی وضعیتی استثنایی و ویژه است که اگرچه نوعی آرایش خاص میان نسل‌ها محسوب می‌شود، اما از نظر تجربی موقعیتی بحرانی و از منظر نظری مسئله‌آفرین است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۸۶). در چنین شرایطی، دو نسل از یکدیگر جدا می‌شوند، شکافی اساسی بین آنان پدید می‌آید و پیوندهای رابطه آنان به شدت تضعیف می‌شود. در این وضعیت، گسست نسلی محصول همین بی‌ارتباطی است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۳).

۴-۱. گسست نسلی

جدایی تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از نظر جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی، وضعیت جدیدی را پدید می‌آورد که اصطلاحاً «گسست نسلی» نامیده می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۰ به نقل از اسپاک، ۱۳۶۴: ۲۵۹). در رویکرد گسست، رابطه نسل‌ها بر اساس احساس بی‌نیازی و استقلال کامل شکل می‌گیرد که در عمل به فاصله‌گیری و مرزبندی کامل میان نسل‌ها منجر می‌شود. شکل نهایی گسست نسلی، «انقطاع نسلی» است که بیانگر حد نهایی بی‌ارتباطی و در برخی سطوح، روابط خصمانه بین نسل‌هاست. به باور شرینی، کاهش ارتباط کلامی، اختلال در فرایند همانندسازی، کاهش فصل مشترک عاطفی، عدم تعهد به فرهنگ خودی، نابردباری

رعایت این اصل به والدین کمک می‌کند تا در مواجهه با تفاوت‌های نسلی و اقتضائات طبیعی رشد فرزندان (به‌ویژه در نوجوانی)، کم‌تحملی را کنار بگذارند و از خشونت کلامی و فیزیکی پرهیز کنند، زیرا این رفتارها محیط خانه را به محیطی نا امن و پر از اضطراب تبدیل می‌کند. مدارا به معنای تساهل و تسامح مطلق در اصول و ارزش‌ها نیست، بلکه به معنای انتخاب روش نرم و صلح‌آمیز برای انتقال ارزش‌ها و آموزش نظم و انضباط است. از نتایج مهم رعایت اصل مدارا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱) کاهش تعارض و پرخاشگری: مدارا و رفتار ملایم والدین به طور مستقیم اضطراب و پرخاشگری در فرزندان را کاهش می‌دهد. ۲) افزایش امنیت روانی: فرزند در فضایی آرام و بدون ترس از توبیخ یا تحقیر، احساس امنیت و پذیرفته شدن می‌کند، که برای سلامت روان ضروری است. ۳) ارتباط موثر: این اصل زمینه را برای گوش دادن فعال، همدلی و ارتباط صلح‌آمیز فراهم می‌آورد و کیفیت روابط والد-فرزند را بهبود می‌بخشد. ۴) نهادینه‌سازی تدریجی ارزش‌ها: مدارا، به‌ویژه در تربیت ارزش‌های عبادی، باعث می‌شود آموزش‌ها به صورت تدریجی و بدون اجبار صورت گیرد و به درون‌سازی ارزش‌ها منجر شود، نه صرفاً پیروی ظاهری.

۳-۳. راهکارهای ناظر به جامعه

۳-۳-۱. جلب مشارکت نسل جدید در امور گوناگون

یکی از دلایل قانون شکنی و قانون گریزی در برخی جوانان این است که خود در قانونگذاری مشارکت ندارند لذا آن را عادلانه و به نفع خود نمی‌دانند زیرا قانونگذاران از نسل جوان نیستند و تنها راه حل آن است که خود جوانان در قانونگذاری؛ تصمیم‌گیری مشارکت داده شوند و در اجرا نیز سهیم شوند این امر دو نسل را هم زبان و به یکدیگر نزدیک می‌کند در توسعه کشور مشارکت نمایند. (سلیمانپور، ۱۳۹۶: ۸۸)

۳-۳-۲. تغییر در نظام آموزش و پرورش

از آنجا که آموزش و پرورش و آموزش عالی بیشترین نقش را در جامعه پذیر کردن افراد دارد، باید بنیادی تغییر کند. نظام آموزشی، حفظ کردن و پرورش ذهن است و قدرت انتقاد، تفکر و استدلال را ایجاد نمی‌کند. تعلیم و تربیت باید در آموزش اندیشه درست و توانایی ارزیابی امور، نقش مؤثر خود را ایفا کند و کودکان و نوجوانان را برانگیزد تا واقعیتهای زندگی روزمره را به مسائل بزرگتر ارتباط دهند و نظریه‌های عمومی

را با واقعیت های مشخص زندگی محک بزنند. آموز ها با نیازهای جوانان کاملاً فاصله دارد و مبتنی بر ذهن است. در حالی که آموزش واژگان و مفاهیم در حالی که جوان هیچگونه حسی از آن ندارد نه تنها چیزی به وی نمی آموزد بلکه مانع آن است. کسی که دانستن کلمات را دانش بیندارد از حقیقت به دور است آموزش باید همراه با ایجاد نگرش حسی و زندگی عملی باشد. راه تربیت را باید از فطرت انسان آغاز نمود که در آفرینش خداوند متعال است و آنچه به عنوان عامل یا روش تربیت جسم و روح، انسان را متاثر می سازد هنگامی می تواند رشد و تعالی وی را سبب شود که تناسب و تطابق با این زمینه های نظری داشته باشد.

۳-۳-۳. به روز کردن معارف دینی و به کارگیری ابزارهای نوین

از آنجا که با زبان سالهای قبل نمی توانیم به چالشهای امروز پاسخ دهیم باید در حوزه معرفتی و دانش، راه حل انجام تحقیقات عمیق نظریه پردازیهای سیاسی و اجتماعی بر اساس معارف اسلامی، قرآن و سنت پردازیم تا نظریات متناسب نیاز زمان استخراج شود که در صورت تحقق صحیح آن، سبب روزآمد شدن معرفت دینی، کاربردی شدن معرفت دینی و استفاده از علوم و ابزارهای نوین میبرد و در حوزه عملی با تکیه بر نگرش جهان اسلام، احقاق حقوق و عدالت و تکریم کرامت انسانی میتوان به این مهم دست یافت. (علی خانی، ۱۳۸۲) باید بدانیم ماندن در سنت محال است اما این به معنای وداع با آن نیست. باید سنت و مدرنیته را نقادی کنیم و به دنبال زیست فرامردن باشیم تا هم ایرانی باقی بمانیم و هم یک انسان عصر جدید.

نتیجه گیری

تعاملات نسلی در خانواده ها به دلیل تحولات سریع فرهنگی، ارتباطی و تکنولوژیکی با چالشهایی به نام تعارض و شکاف نسلی روبرو شده است که بر سلامت روان فرزندان تأثیر مستقیم دارد. عدم مدیریت صحیح این تعارضات باعث بروز اضطراب، استرس و سردرگمی هویتی در نسل جوان می شود و انسجام خانوادگی را تضعیف می کند. آموزه های اسلامی با تأکید بر مدارا، گفت و گوی سازنده، احترام متقابل و انعطاف پذیری، چارچوبی ارزشمند برای مدیریت تعارضات نسلی فراهم می آورند. با بازخوانی و بومی سازی این راهکارها می توان سلامت روان فرزندان را بهبود و صمیمیت خانوادگی را تقویت کرد. مدیریت تعارضات نسلی نیازمند

شناخت دقیق ویژگی‌های روحیات نسل جدید، پذیرش تفاوت‌ها، پرهیز از سبک تربیتی مستبدانه، و ایجاد ارتباط گفتگومحور است.

پیشنهادهای کاربردی والدین اصل تفاوت و تحول نسلی را بپذیرند و با رویکردی اعتدالی و منعطف در رفتار و تربیت فرزندان عمل کنند. آموزش و افزایش آگاهی درباره ویژگی‌های روانی و اجتماعی نسل جدید برای درک بهتر نیازها و روحیات آنان ضروری است. سبک فرزندپروری مقتدرانه، که تلفیقی از حمایت محبت‌آمیز و حدود منطقی است، برای ارتقای سلامت روان فرزندان توصیه می‌شود. تأکید بر گفتگوی بین نسلی مستمر و گفتگومحور برای کاهش تعارضات و ایجاد تفاهم عمیق‌تر ضرورت دارد. والدین باید ارزش‌ها و باورهای دینی و فرهنگی را به شیوه‌ای اقناعی و تبیینی به فرزندان منتقل کنند و از تحمیل اجتناب کنند. مشارکت دادن فرزندان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، مخصوصاً درباره مسائل مرتبط با زندگی آنان، به افزایش عزت نفس و خودکارآمدی آنان کمک می‌کند. اصل مدارا و نرم‌خویی در روابط خانوادگی باید تقویت شود تا پرخاشگری و اضطراب در خانواده کاهش یابد. نظام آموزشی باید بازنگری شود تا با نیازهای نسلی جدید هماهنگ شده و مهارت‌های تفکر انتقادی و زندگی عملی را در جوانان تقویت کند. به روز کردن معارف دینی و بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی کمک می‌کند تا آموزه‌ها متناسب با زمان و واقعیت‌های جاری جامعه باشد. جلب مشارکت فعال نسل جدید در امور اجتماعی و فرهنگی کشور، به ایجاد حس تعلق و مسئولیت‌پذیری آنان منجر شده و شکاف نسلی را کاهش می‌دهد. با اجرای این راهکارها، خانواده‌ها می‌توانند فضای سالم‌تری برای رشد روانی و اجتماعی فرزندان فراهم کنند و تقویت پیوند عاطفی و فرهنگی میان نسل‌ها را ممکن سازند. این شیوه‌ها نیازمند تعهد مستمر و همت همه اقشار جامعه و نهادهای فرهنگی است تا به تعالی خانواده و سلامت روان نسل‌های آینده بیانجامد.

*قرآن کریم

۱. آزادارمکی، تقی (۱۳۸۹). جامعه شناسی ایران: جامعه شناسی مناسبات بین نسلی. چاپ اول، تهران: نشر علم.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۳۸۴). شرح نهج البلاغه، قم، ذوی القربی
۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل ها، تخمین ها و تدبیرها. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک
۴. توزنده جانی، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، اثربخشی شیوه های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور، افق دانش ش ۱۷ ص ۵۶-۶۴
۵. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۹۸ ق) وسائل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه
۶. حسینی، ابوالقاسم، (۱۳۶۹). اصول بهداشت روانی، بی جا، مشهد، دانشگاه مشهد
۷. دلشادتهرانی، مصطفی، (۱۳۸۳) سیره نبوی؛ منطق عملی، چاپ دوم، تهران، دریا
۸. رجب تبار درویشی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۵)، رابطه بین سبک های فرزندپروری با نگرش مذهبی و سلامت روان دانش آموزان دختر، دین و سلامت، ش ۴، ص ۵۷-۶۴
۹. رحیمی، محمد (۱۳۹۰). «شکاف نسلی در رویکردهای جامعه شناختی». برگرفته از socialsciences.ir
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). دایرة المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
۱۱. ساعی، منصور (۱۴۰۳) تحلیل موانع و بازدارنده های گفتگوی بین نسلی در خانواده، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۲۰
۱۲. سلیمانپور، محبوبه، (۱۳۹۶). مفهوم شناسی پدیده گسست نسلی و راهکارهای تربیتی برون رفت از آن، فصلنامه پژوهشنامه تربیتی، ش ۵۰
۱۳. شرفی، محمد رضا (۱۳۸۲) مؤلفه ها و عوامل گسست نسلیها، مجموعه مقالات نگاهی به پدیده گسست نسل (ها). به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
۱۴. شکوهی نیا، محسن و دیگران (۱۳۸۵)، مطالعه تطبیقی سبک های فرزندپروری، دوفصلنامه تربیت اسلامی
۱۵. علی خانی، علی اکبر (۱۳۸۲) سیر گسست و مبانی معرفت سیاسی ایران، مجموعه مقالات گسست نسل ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
۱۶. عمید، حسن، (۱۳۹۰). فرهنگ عمید، چاپ ۳۸، تهران، نشر آگاه
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵) الکافی، ترجمه محمدباقر کمره ای، چاپ سوم، قم، اسوه
۱۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی
۱۹. معیدفر، سعید (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)، پژوهشنامه علوم اجتماعی، ش ۲۴
۲۰. معیدفر، سعید (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی. نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، صص ۵۵-۸۰
۲۱. نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۴) اصول ومبانی گفتگو روش شناخت و آموزش، اصفهان، آموخته

